

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوهستان

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴۰۱

۲ شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۳۴

سال اول - شماره ۱۵

با میر مهاباد شوخی نکنید.

اقتبای نو

در این گیرودار زندگی، که هر روز و هر ساعت و هر آن، ناصر هزاران ملایم هستم و از هر گوشه ای از مملکت عمای تا - رضایتی های مردم نلند است و از هر طرف فریاد سکنه این کشور از ظلم و جور، دزدی و ارتشاه، از جباوول و غارت و از بی سامانی بکوش میرسد و بیاسی کاملی از اصلاح اوضاع عمومی هم و را احاطه کرده هر کس خود را از اجامی کار ولو اینکه کوچک هم باشد ناتوان میبیند باز دیده میشود کسانی یافت میشوند که هدف مسلوبی را در نظر گرفته باجدیت خستگی ناپذیری بسوی آن قدم بر میدارند.

هر نملایبی را تحمل میکنند و در این محیط که بکسب و جعل و بی سوادی و از طرف دیگر خودخواهی و سوء نیت حکمرانان تنها یک چیز فکری میکنند و آن عظمت کشور است و این منظور را در این یافته اند که مردم را بیدار کنند و این بیداری را اینطور تحصیل خواهند نمود که مردم را با سواد کنند یعنی مردم بتوانند بخوانند و بنویسند.

بنوانند تا در بیابند آنچه را پیشوایان و روشنفکران مینگارند و بنویسند آنچه را بنظرو فکرشان میرسد. بنوانند تا از اوضاع دیگر ملل جهان واقف گردند و اسرار برتری و پیشرفت آنان را دریابند. بنویسند و پیشیندگانه راههایی را که گمان میکنند مارا بر سر منزل ترقی خواهد رسانید.

بنوانند تا بنوانند خوب را از بد تشخیص دهند، بنوانند تا بی تفاوت خود بر نهند. بنویسند آنچه را ضروری تشخیص میدهند بنویسند آنچه را در دل دارند. یاد گرفتن و نوشتن و خواندن و بالخصوص با الفبائی که فلامورداستمال ماست بسیار مشکل بوده است و اینان دراز عمر میخوانند تا بفهمند بنوانند و نوشتن آشنا شود. مدتها زحمت و سختی لازم است تا خطی زبان مادری خود را بنویسند و بخوانند.

برای اطفاغی که والدین بیضاعت دارند، چندین سال تحصیل، قطع برای یاد گرفتن و خواندن و نوشتن و ممتد و نیست. برای اشخاص بقیه درمنده.

دعیم یا اگر اسی از استعمال کرد در خارج از خاک ایران برده شده فوراً برادران خود را مورد حمله قرار دهیم یا اگر گفته فلان نهاد ننگ از گردنمان جمع شده گمان از دست همه ای راهزن و ماجراجو و خونخوار گرفته شده است. ما وظایف ملی بزرگی داریم و برای توفیق در انجام آن اول از خداوند متعال مدد خواسته بسدا همکاران ملی خود را بکنک میطلبیم.

و فیکه سر نامه شماره ۲۶۷ روزنامه کیهان روز چهارشنبه گذشته را خواندم و افاضاتش

ما اطیبان داریم که معبر فون الماده ای از طرف اداره روزنامه کیهان بسرای اطلاع از حال میر مهاباد به هیاباد اعزام نشده زیرا اگر معرفی اعزام شده بود قطعاً مطالبی در آن جریبه دوح میشد در زمینه اظهارات آقای فیسی درج مقاله میر مهاباد بکیار دیگر ثابت نمود که تاکنون همه جاهتوسل میشدند ما نمیدانیم اطلاع دهنده چه شخصی بود ولی قراین بعضی آشکار میسازد که بساید از چه ناحیه ای باشد.

ما سببانه بصوم همکاران روزنامه نگار خود ترمیم میکنیم اول لحاظ حفظ مصالح عالی کشور با اطلاعی که راجع به نواحی کردستان از هر مقامی میرسد با توجه و علاقه خاص نگریست و تا اطلاع صحیح بدست نیاروند از نوشتن و اظهار عقیده ننودن سریع خودداری کنند نواحی کردنین مناطق حساسی هستند

مردمان مطیع و مین پرستی دارند بجزئی پیش فکری بسیار آزرده خاطر میشوند و این نوع آزرده گی ها تا ناامیدی های بوجود خواهد آورد و از ناامیدی و باس مامورین خان بشر ملت و مصلکت استفاده خواهند نمود قضایای پیش خواهند آورد که بایزم همه چه دور ادر بکنه بگر که هدف تبر و گلوله قرار دهند ماکه وظیفه سنگینی عهده داریم باید حتی انفور از تکرار و واقع تکین برادر کشی جلوگیری کنیم باید دهر لفظه هر قدم مواظب باشیم که تنگت سرسازان، که باید مدافع وطن ما باشند، بروی برادران دیگر ما کشیده نشود ما باید بر علیه آنها بیستیم این بازی را سالهاست پیش و میای ترمی خود فراداده اند دست همکاری سببانه و دوستی خلل ناپذیر بهمین ت اینکه اگر گشتند میر مهاباد فوراً اورا شاه کرد جلوه

ما از روزنامه کیهان گلهای نادریم بلکه بالکس خوشوقتیم که چنین مقاله ای در آن چاپ شد تا برای تحقیق بیشتر بدانیم که آن از همین مطلبی مانده مانده مهاباد استقامت یافته و در سر مقاله روز شنبه گذشته خود نوشته نگار را از اشتباهی که شده بود واقف گردانند ما خوشوقتیم از اینکه بکبار دیگر مشت ناآرامی که میخوانند آتش افشان را در کردستان برپا سازند بوسیله یکی

اخبار داخله

معاون وزارت کشور

آقای سیدعبدالله یوباکازباشندان مالیرتبه و مدعی وزارت کشور می باشد. بیست ملاقات آن وزارت نامه منسوب شد.

آزادباشداشت دشمنان

روزه شنبه که شصت و ۲۲ هزار باو داشت دشمنان بیامرتبان با نصد نغنه های آزاد گردیدند. اسمای آنها شرح ذیل میباشد.

آقایان: حسین زاهدی، محمود راعف، سرهنگ حسن بناتی - حسن ابراهیم خانی، علی اکبر کلبلی - سرهنگ حسین مبین

معدله مریقی - سرهنگ نصرالله اشغی - سید جعفر مریدی ش سرگرد ابوالاسم جهان

بیکو - زرافه رفعت جامه پندیس عباس بانسای - سرهنگ مهدی بهرامی سرهنگ محمود مبین بیکلو حبیب الله خیا تاش.

عبدالرحیم صدیقی در اهل لارودی ویر روز شنبه ۱۸ فرد دیگر از باز - داشت شد نان بشرح زیر آزاد گردیدند.

آقایان: سر تریپ محتویان، جواد بوشری (سرهنگ امین اویون) سرهنگ سابق

فرورهرهنگ با تاملج، سرهنگ باطنی، سرهنگ منوچهری، سرهنگ اشکر، سرهنگ زنده دل امیر شرفی بدر اسفیل

اشرف، حسین کوهانی، مینیس قاسمزاده، علامین فره گوزلو، حسن فره گوزلو

عبدالمصدقیه، سرگرد حبیب همامیون و یک تورا کواکسکی، خلیف کونیان.

ترقیع المغان جزء

دوازده تنیدند نظرد کیمیون ترقیعات از ش ۲۳ هزار المغان جزء بازمانه رتبه

نایل شدمانه و نسبت بسیار محروم شدگان ترقیع بازمهر برسی ادامه دارد.

اعزام محصل بشکورو شوروی

از طرف نهانبدگی انجمن روابط فرهنگیه اتحاد جماهیر شوروی با کشور های خارجه آ ذبی داده شده که چون اخیرا عدمای از ایرانیان سفارت شوروی مراجعه و برای مسافرت و تحصیل در دانشگاههای شوروی اظهار خواهش فرمایند انده نامانات شوروی موافقت کرده اند که با شرح موسسات فرهنگی شوروی چهل نفر دانشجو تخت شرایط مینوی بشکورو اتحاد جماهیر شوروی اعزام دارند.

انتصابات وزارتخانه ها

آقای مهدی شهیداد بیست امورات دادگاه بخش شنبه ۲ تهران.

آقای احمد زرین تل بیست کارمند علی الریل دادگاه شهرستان تهران.

آقای هادی اعماری بیست امورات شنبه دادگاه بخش امیرمقان.

آقای ابوالقاسم اردلان بیست امورات دادگاه بخش گلیا کیرلان.

آقای احمد دالوهاب برسی بیست کارمندی علی الریل دادگاه استانها

آقای احمد داوودی بیست دادستانی شهرستان یزدند.

آقای جواد حریر بیست و سه کارمندی علی الریل دادگاه استان ۳ و ۴

آقای ابراهیم وکیل بیست دادبادی و ادسرای شهرستان کردستان.

آقای دکتر اسدالله شریف زاده بیست دیشبایی و ریاست دایره اموال

وزارت فرهنگ. آقای هوشنگ هوشیدرو نیانیده قضائی

اداره کل تفریح اولیاد و کادراوی بیست ناینده و وزارت دارایی و ذویت رسیدگی باور اولیاد و کادراوی ساری .

اخبار مجلس

در این هفته نیز جلسات متعدد مجلس شورای ملی به بحث و گفتگوی ساینده کل موافق و مخالف گذشت .

در جلسه روز شنبه آقای دکتر صدیق رضی منعی ایراد و حسن اظهار اعتماد نسبت به شمس آقای حکیمی نخست وزیر ایراداتی را که به طرز اشتباه و زبران اشن داشته بیان و در طرف اسراران اعتمادی - قانون انتخابات طهران تجدید نظر در قانون مالیات بر درآمد - اصلاح و توسعه زبان در مرکز ولایات تقس نامک ملی ایران و بانک سپه -

تفخیش شرکت نفتن و رعایت اصناف مجازات بیانات جامعی ایراد نمودند .

درجلسه : شنبه (دو روز) پس از تظلم مفصلی که آقای نخست وزیر ایراد نمودند بکابینه ایشان روی اعتماد گرفته شهوین دولت آقای حکیمی بیش از ۲۵ رای موافق در نمایان ۹۵ نفر هموای همدگندگ داشت لادامینه ایشان ستورم کرد.

بست هوایی بغداد

پسپاتی هوایی تهران - کرمانشاهان و بغداد از تاریخ ۱۲ خرداد ماه مطابق دوم زوئین ۱۹۴۵ هجته دو بار بین کرمانشاه و بغداد پرواز می نماید

علاوه متندان بایده سروالات هوایی خود را بنیصمد کرمانشاهان تا یکساعت بعد از ظهر روز های سه شنبه و سه

وهرامان هوایی سفامده خارجه واروز های یکشنبه و سه شنبه تا شهر بیاجامه های بستی مرکز و دلفاز جزء تحویل نمایند

صفحات نامه

کوهستان برای درج

شکایات شما بازاست

اشعار و آثار ادبی

کردی را که میفرستید

متنی المقدور خوانا

باشد که بدون غلط

چاپ شود

از مشترکین محترم

تقاضا میشود از لحظ

کدام به نظم و ترتیب

توزیع اگر روزنامه شان

نرسید لطفاً ما را مطلع

سازند و هر هفته مرتباً

روزنامه به آدرس کلیه

مشترکین به است داده

میشود .

ترجمه و نگارش : آقای منصور هاشموز

۱۰۰ مفاخره دزدان

فصل پنجم

یکدسته نیم و مشوی

آری اومیخواست از آن جایکه بگریزد و بار دیگر بسادری تایش بیبوند. با این فکر شروع به بررسی اطراف خویش نمود. میخواست اطلاعاتی از این مکان بدست آورد تا اگر بخواهد فرار کند راه را بشناسد تا مفراسل دور صدای شیف وزش آب شنیده میشد. گوشها را نیز بنوده سی میکرد تا عمل جریان آب را بداند.

راه پر پیچ و خمی که راهشایش در میان دوستان بیبودنش او را هدایت میکرد چشمش کرده بود. شاید آرتیکو مقصود او را دریافت صدا میخواست از راه مرقمب مشرفش کند. با این افکار رویه راهشایش کرده گفت گمان میکنم که ما در کنار جریان یک رودخانه حرکت میکنیم که صدای غرش آب و جود آب شاری در این نزدیکی حس زد می شود.

دورتر از این ها، دور او را صدای چنگل صدای نهر حیوانی بگوش میرسید. بار دیگر ماه آوزیر ابرهای ضخیم بیرون آمده از میان درختان درختان بدون چنگل راهی یافت و جاده را نیم روشن کرد.

آرتیکو که تا آنوقت ساکت بودی سروده راه میرفت غلظه بر گشته دست محبوس را گرفت و گفت :
بایشی شمارا با اینجا راهشالی کنم. آیا غشری حس کرده ای؟ -
برای این است که ما اینک بکنار آبنبار مرگ خواهیم رسید . برای چه این اسرار روی آن گذاشته اند؟! یکی از رفقای بدبخت ما در موشیکه از اینجا میگذشت در میان گرداب روی سکنها افتاده است .
- ولایت مرده است؟
- آری آتمم بطور مرده درست مثل اینکه او روی تله وزو مراد داده باشند.

بیپوشن جاده باریک که کم مشکلتر میشه . این راه در روی دامنه کوه بایشب زیادی قرار داشت . سنگریزهها و شن های روی آن مرتباً بظرف دوه دو در حرکت بود مثل اینکه میخواست مسافرنی راهم با خود به دوه برتابند .
غرابی عظیم در زیر پای آنان فرار داشت هر لحظه که هراس بر برگردانیده بان شنیکرست سرش میرفت و متوشوش میشه . اسواج خروشان رود غرش گناج آب آشام مرگ در حرکت بود . گوی می صدای غرش خود محبوس جوار را در غرش پاک خود میخواند . امید فرار رفته در تله دو ظرف هراس میبل بیاس میگشت . راه باریک و سراسیمگی که از میان دامنه کوه جوب میگذرد و برآبراه رفتن هم خطرناک بود چه رسد بفرار آتمم با این زنجیرهای پولادین که دویای امیر راهم بسته بود .
در این لحظه آرتیکو توقف نموده با دقت بی نظی که متوجه شد

اخبار شهرستانها

از سرحد
 جمع آوری اسلحه در کردستان
 ایله ۲۴/۳/۱۱ پنج گری مسلح بیاب تکیه و چن سومه شهر حمله رده.
 ۲- تریه کانی بان در کردگنه صلوات آباد مورد تجاوز مسایحه دزدان واقع اموال دو خانوار بیدقت برده شده است.
 ۳- قومو شده سزمو از طرف ساروبه مسلح غارت دو نفر متول گردیده
 ۴- تریه بون الجیش غارت دو نفر مقتول دو غوزغی چهاراس مرتقت شده است.

آیا باوجود این اخبار که هر هفته ما با اطلاع اولیای امور میرسانیم ستاد ارتش اعلامیه صادر خواهد کرد. عمل حمله سلاح در کردستان ادامه دارد و هیچ اتفاقی قابل ملاحظه روی نمانده است.

راه زمستانی منهدم کردستان (جاده) ساختن - کردستان (در تریه بارهنگی خراسان منهدم متعجب مرتضات اگر این جاده هم منهدم شود در تمام مدت زمستان کردستان از ارتباط با سایر شهرهای تریه و هرگز محروم خواهد ماند.

از کرمانشاه
 ۱- از طرف اداره خبری برای دستگیری رضائیس وحاجی علی فرزندان مسلح با سباسبه هفدهای مامور همراه مأمورین زاهداری پناه ۲- در دسترس له ۳- هفت چشمه میرون پس از یک سنده تعقیبات ساقورزان دستگیر که بکرمانشاه بیاورند در این اثناء برادر دیگر ساقورزان که در کرمانشاه بوده است با مأمورین آگاهی و زاهداری تریه ازادی میکنند.

مأمورین اخراجی چون قنده ربابان قسم می بینند که مأمورین کفنه بکرمانشاه مراجعت مینمایند.

آگهی مناقصه شماره (۱۴)

اداره کارپردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن خرید در حدود ۳۶۰ متر باجه پستی نباتاتی (تکلیفی طبق نوع و دسترس در ۱۲۰۰ دست لباس آفرینی را کین هواپیمایی را معاینات عمل بنامشاه و ادوات میباید.
 داوطلبان در مناقصه آخرین مهلت پیشیندهای خود را در بابت کسریه عبور یا ذکر این جمله در روی پاکت (راجع بنامه شماره ۱۳۰۰) بدایره دفتر تسلیم نموده و قبل از این پیشیندهای معنی که بپردازند برای بارجه ۶۰۰ ریال برای دوخت برسم سهره بضمون دایره خدماتی برداشت و سید دریافت دارند.
 پیشیندهات آن شرکت روز ۱۳۴۴/۳/۲۲ قبل روز ۱۳۴۴/۳/۲۲ ساعت ۱۳:۰۰ صبح در دایره تریه باز خوانده خواهد شد.
 خود پیشیندهای کلان در این مناقصه آزاد و ادا در در رد و قبول پیشیندهات مختار است.

رئیس اداره کارپردازی وزارت پست و تلگراف و تلفن
 حسن علوی
 (د. ک. د. ک.)

وقایع آراارات

آراارات

آگری

آگری، آگری، تو آگری
 له ناو دنیا سر بلند بو
 له سرگردستان چرا بو
 هله آگری، هله آگری

پس از تعطیل و پیشه‌ها، توای آگری، توای کوه بلندی که همیشه زیارتگاه فرزندان عبور بود و طیفان بهت مانند اوران تاریخ و پیوسته ایستادند، در برابر تو که از حوادن و مولات تاریخی فرنها حکایت میکنی، در برابر برای آگری که نامت قدمت تاریخی تو را بیان و نور و شراب آتش فشان تو که زمانی اطراف را در روزهای و حرارت نگاه داشته بود، اکنون دردن فرزندان تو خسته سرای میکنند.

پس از تعطیل و در برابر بیکل برانزه با احترام، من که یکی از کوچکترین فرزندان توام میخوام با اجازه تو معذرتی چند تاریخ بر این عمارت واروق زتم.

آراارات آن کوه پیشی که در شمال غربی ایران سر بلنک کشیده و مانند یواریلنه و پایبازی پیوسته این کشور را از تجاوز اجانب محفوظ داشته تا کنون است و اجازه نداد که بر مرتفعترین قلعه‌های صومعه کند.

صحبی ها میگویند کشتی نوح بر سر این کوه معظیم نشسته ولی قرآن کریم این مدعا را در جایی ننشست کشتی نوح را کوه جودی و رانج در جنوب سرحد ترکیه مینماید. مینماید. این کوه که زمانی مسجد که در دشتیان بود اما اکنون قلعه گاه نوادهای آن با بیرونی خواهان فعلی شده است. نام این قلعه (آگری) می (آنتی) و با وجود سالیان دراز و فریاد که از اعتراض آراارات گشته و ناداری فرزندان با او عدالت میدارد و بر خلاف گفته های موشین سری- آشوری و یونانی نام آگری شهادت میدهد که هیچگاه ملت کرد آگری را بیوسه و معجزت نبوده است.

نام آراارات: سلمان صریح به نامشاه مورد تاریخ ۱۲۶۰ قبل از میلاد ذکر نموده (لیکن در مکان) مورخ معروف وجود دولت نومی آراارات را در مکان معلوم خود دوهزار سال قبل از میلاد بیان کرده است از منقبت آراارات را ذکر می (و ان) پایبند دولت آراارات و نواحی دیگر معال آرات بیداشه، با آتاری که در توامی در پای سیاه بدست آمده معلوم شده است که مردان این دومنطقه مدینت مشترکی داشته اند به احتمال قوی حدود آراارات تا در پایی سیاه ادامه یافته است.

ساکتین آراارات غواص زادی خود را از دست داده مانند سنگهای بزرگی که در دوره های گذشته در تریه سربلایه های آن هزارا از جای خود حرکت نیده، در مقابل سبل تمام عمل با داری کرده است امواج آنرا تحویل بنا لایه ها همان فیهان اولیه خود نمودار گردیده اند.
 طایفه آراارات باخشان بوی یکی از طوایف بزرگ گوتی بوده مدت زمانی تحت ساکتین طوایف دیگر هستند خود. شوبارو نابریه سیرده فراوان قرن هفتم پیش از میلاد بنسبتی درجه قدرت خود رسیده است.

دوسال شصت و ۸۰۰ قبل از میلاد پادشاه آراارات (مناوش) که منوش چترا یا منوچهر شاهنامه میباشد بهت جنوب حلهور شده ترحم آراارات بر پال، منم نصر (توم و سلم شاهنامه) پادشان آراارات
 یقه درمنه ۶

وزارت بهداشتی توجه کند

تلگراف استسقر

مقام نخست وزیری و رؤسای وزارت بهداشتی و روشی وزارت کشور و روشی مجلس شورای ملی رو نوشت آقای دکتر مامون و روش نامی صومستان همگرمان شاه استنادی رو نوشت گوگرب مغرب توجه دولت های گذشته برای وقت آور اهالی نسبت به تشریب زاده بزرگ نام بقدری باعث تحریک او شده که ما مرامت لویه اظهار مینمایید بوسیله بیست هزار تومان پول بندی که در بانک دارم باز موقتیت خود را در بهاری سالی سیریه مینماید اینک مجددا استنادی عاجزانه دارم بوسیله هشتاد این بزرگ بارها گوگرب، گارنه پیش از این دارو و آنتی بیوتیک را در حیف و میل نماند بوسیله های ملت که از انولوب دادند از بدین مشورتی صفت توجه برای اعزام دکتر زیاده انعام توری فرموده که پیش از چندین سال مشاهده هزاران غریب بدون پزشک نماند شرفیور حریری دستور این مغربی با ایالتی ابوالانام سالیان عیال حیب حاجیان جعفر حاجانگری حید علی حافی آقافضی نورالله عراقی خاندان متمدنی حیی متمدنی و عیال این آقاخان متمدنی حیی علی میرزا امیر آقا حاجان شاه شاه حریری حیی و کالی حسین اسکندری بر مزی علی رحمانی حید افکار گری شی مغربی این وزیر بی جسمی ستمی

جناب آقای مدیر بهائیات نامه

کوهستان

در پاسخ تلگراف پنج وی سرونه بیعتت از اجبف کربوسی نظری خود را و اجماع با ستار نامه وزیر کوهستان برضی مسامت - نامه امیر کوهستان از اولین شماره نامه تا حال فراز نام در نظری نمایان در اوضاع حفظ و حمایت حقوق و دعوی حق که ادرکد مقصد مغزوری داشته و استقبال شایان روز افزون کرد ها از انتشار نامه ملی کوهستان خود بهترین دلهی است که نامه کوهستان همکار نظری حفظ و شرافت و پشتیبان کرد اعتبار می باشد هدف مدیر معترض دفاع از حقوق برداران کوهستان که اقران و سوبان شخصی - کاسه یکدیگر امتضا کردند چنین تلگرافی کرده اند معترض تلغری بزرگ با بیبر بوده و چون ایشان نزاعاً کربوسی هستند و در آجا انامی نامه دارند بدست خود و در تبریک خویشان دانش تلگراف مزبور مقایسه شد ماست

مطلق است مشهور میگویند آستان بار با گلن بی تان رویشی مدمرجات نامی کوهستان که خواهی است که از اجرامت اکراد معلوم و سایر دست مامورینی مثل سرهنگ بایندر بیرون مایه - که نامه کوهستان چون امید است که در لویه دادگاه مارا روشن و از بدین انتشار محبوسیت بسزا در قلوب برداران کرد باید کرده باشد و آنداره که می توان گفت بدست مطلق کرد نین بگانه روزنامه می باشد که طرف توجه خود کرده و بواسطه آلمان متمدنی که پیش کرده عدم اکراد پشتیبان و

کوهستان

باید امیدوار بود

در طول زندگی پستی و بلندی فراوان است و راهی را که طی حیات میسویب آن ناگزیریم سراسر بیخ در پیج و داری فراز و نشیب است و قطعا با مشکلات زیادی روبرو خواهیم شد ولی باید در تمام مراحل استقامت بخرج داده و دوتهایت خودسری دو کین نشست تاروی شاهد مقصود برسیم و مانند جان شیرین وی را دربر گیریم

اشخاص ضعیفالنس و بی اراده همین که در جستجوی مراد بیک مانع کوچکسی معاصد شده فوراً از بای تشنه و براری همیشه از آینده مایوس و نا امید میشوند حقیقتاً اگر بنیاد زندگی وی این پایه لظاف قرار گیرد و آذر سر و کوشش باین زوری سرد شود بطور تعین هیچ فردی ناپید وی نیک بنظر آید و در توده بشر بگفتن سادستنیها نشود زیرا امحال است چونستگان دو هفته اول منظور خود برسد نفسیه ک تجربه ثابت نموده مردم عجول و شتابزده دارای تعمیم قطعی و عزم واضحی نیستند و اراده آنان در کارها - دستخوش وسوسه و تردید میباشد یک باجلو بر نهانست دو قفم بعب بر میگردد آری همین سرگشتگی و تحیر است که آنها را برای همیشه از افروان تالی و ترفیغ منف میندازد ولی بریدگانی است که مدد بیازد تا با بعضا بیرون و در نشسته خود اشتباه میکنند موقدا مایوس شده و پیش امید و قلب آرزویشان نشود و نشسته او بدست و کوشش توفیق میگند اینجاست که ضعف النفس بیچاره افسوس خواهد خورد که چرا در روزگار ناتوانی چراغ امید را بدست خود خاموش کرده از کوشش و کار غف نشست

تا بر این باب همیشه در زندگانی امیدوار و فرصت را غف فرار داده بگمان موقتیت جیبیه زیرا ممکن است در تیه اندک فطرتی وقت بگذرد و دوباره آن وضع فلاکت بار تعدیل شود پس اگر سره افراد خود را در میدانست از وقت لغت نشود و فرصت را در غیبت شاربند در دست میگیرند بلکه حنی است به آرزو و آمل خود خواهد رسید

حسنا - آرموده اردلان خواننده آن هستند اظهار خوشوقتیهاییک تا کون تا تمام مطایق کرد نشین اجم با ستار کوهستان شده و میشود مشت دستان شکی است که بدانها امکان کندگان چنین تلگرافها و مریمان آنها - بخورد - ما موقتیت و بیشتر وقت مدبر معترض نامه کوهستان را در این باره مدسی با نالی ایک از خدا بدانش خویشتر و ملت ما شرافت کرد را بدانش خویشتر از مدی شامت و جسوریکه زندگانی و آسایش خود را وقف دفاع از حقوق برداران خود و بلند استخوانی کرد و در کوهستان نموده بزرگ میگویند سید مهابون از یگان

بلم آملی حیب الله روشی امام جمه کردستان

وزارت فرهنگ توجه کند

وضع یکی از مساجد سنندج

کثرت خرابکاری و بهر فتاری اهاب مامورین دولت در کردستان و راه سازی برای جلب منفعت با عاذه ایست که بشون آن را بجز تحمیر و بنا برشته تحمیر در آورده

موجب تباسر و انحراف از انجا موقوفات آنها این است که سوء استفاده از نجابت و تحل و برداری اهالی آن سامان مینمایند و بر اثر اذعان روی مومعه که روح دولت آزادی و دموکراسی و بر آن سفر و بیزار است ملت نجیب کردستان چنان پاس حاصل کرده اند که بیچوجه دفاع از حقوق حقه خود نمینمایند مصومصا اذهان بعضی چنان مشوب شده که تصور میکنند با این ناملای ها باید سزده و الایا در زمان غناری محبوس و با تقاط دیگر تیه مینشوند و عاقل و فرزندان خردسال آنها در چنگال اهریس مامورین صالحه گرفتار هستند آنها بنا بر اجاب میروند لایه احمال و منویات خود را در مقام میبازارند و معاذ - علامه انسان فی الحاصل - در شعار دولت خود فرار داده بطولوا برای دزدان خالی کرد مساکت در مات شهنشاه عیاره اختری بزرگ نام خود نموده تالی آید کلام - دزدان

این که در شماره ۱۲ نامه معترض کوهستان (آتم با مضاعف غریب - شرمی راجع بسعد معبد کریم داشی از طرف بعضی از اهالی سنندج دیدم نام اخیر گردیده که مجبور بوده یکی از هزاران خرابکاری آن سامان را در نظر داشته آتم نفعاً مدیت حیدت حضرت رسول (ص) بانی علی السی زمان بطلون فی مساجدهم و ملین هیه الالفی و ایسفه علی علیه السلام آقا اربابا را متین آیه شریفه دامن بر مساجد اهل آتم این یایه و آقا ارباب را و اذار نموده که مدد و مسجد مسلمانان که معذبت لایه ست و جایگزین لایه بازار گردیده از اوت آن نامعات باقی نموده در صدد تحمیر بر آید

باید آنگه دودوره بطولوی نایوبه که وصیت ساخته اند و ولایت ایران بشکل بساطی پارسی تغییر یابند بناها دست خود نمایانند کینه اسفلات کینه مامورین دولت فرصت بدست آورد از آنجا بیکه برای خرابکاری مهارت کامل دارد شروع با نهادن نا های سنندج نموده دهر محلی که بشفاه حسنه مادی مینشند تا جاد آن محرف ثانی که موفق شده شهر سنندج را بصورت نلس خاکمی در آورده نلامه از مزایای دوره تری و عصر طلایی با نهادن دو مسجد (یکی مسجد والی و دیگری مسجد محمد کریم داشی) نایل و معتز ششمی

اگر چه فرهنگ و اوقاف کردستان بیچوت صورت خوبی بود نگریت و کلیه عرایب موقوفات صرف آمل و آرزوی متصدیان می شود آنچه عیالی نشود منظور واقف است (که بعد متروحا می لحاظ خواهد گشت میگذرد) اما در آن موقع اعراف ارتشاه - شریعت بنا بر تیه درجه رسیدن با بیست مسجد والی حاکمیه ساز و روز نلسکایوانان با بدوشه گان، محبت تأثر و رقص و بیتام مسی حیل صنایع مستزفه کریمه مسجد محمد کریم داشی بیهانه احداث نمایان اداره اوقاف قسبی از آن بدلا کلین و خیابانها (موقوفات مسجد مزبور) را بپسوی خود فرخته و قسمت شده قیمت آن بیب بدت و مقدار کمی بحساب دولت در آرمه فلا ۱۳۱۳ که از آن در مینماید بودی ها و ۱۳۱۴ که دیگر را خود اداره اوقاف تصاحب مینمایند و مقادیر کمی از خود مسج بحال شرابی باقیست

شاهد این وصیت استماع وقت آرزو جالب توجه عدم و مصومصا وزارت فرهنگ میباشد و اهالی سنندج این موقرا متشتم شمرده از خود جناب آقای رفنا و وزیر فرهنگ که شصتا ملاحظه مذهب و عزای اخلاقی مشایه سنتنی از انوسرف است استفاده نموده نین مینمایند با بطف توجه هم این که کتین را از دوش اهالی کردستان برداشت جایگاه ساسانی و مشروب فروش را بحالت اولی در آورده مجدداً شریعت مسجد بنویرد که فی السابق محل عبادت الهی قرار گیرد و معوا هو طایفه بیرون

گرد و گردستان

کیباد همدان را برای جلوگیری از تجاوزات آشور پایتخت خود قرار داده و آرامیز کرده است این همدان که آن روز پایتخت کیباد گرد و اولین پادشاه دوره جدید (ماد) شده روز دیگر پایتخت آردی، یک آخرین پادشاه ماد بود که میروس نیز آن را فتح خواهد کرد که کیباد مرگ ست (ژاکی) بمی برزوک (تاده) که نام خود پادشاه ماد است، بود لجه کردی (کیباد) که تلفظ تکبید با بال مجهول همه جا کله (کی) برای تکبیر و تعظیم با بال اسمی از شملین و امراه (ماد) امثال دارد. کیباد (یاوه) کی میشد. کی آرمین کی آرش، کی تیا - کی کابوس - کی اوچن - کی امراه کی - کی شتاب (کنشاس) - کی واکسار و و آتهارا همین مناسبت کیان میخواند می روکن - مانه، فردوسی همه جا (کی) از چین منی اسماعل کرده است: از همه دور مورد (تیب) بد فرعون پیدای می گوید... خوشی گویا ز این زمین شای مرد - نام آید، زنج شای و تو ماز بود، در حدسه و گرد و آزار و دو دور و تیکه فرعون - تیب چنانکه پیش گفتیم از چمن پیدایان اند این تعظیم اول برای سلاطین (ماد) اسماعل شده چون تاریخ نگین، تورانام - معنای سعت کیباد، و شاه سق و سلسله صفحه ۲۵۵

سپهری، ری، و سلاطین همه منسی هم پسر شده است. ولی سلاطین پیشه و دور با سر براب همدان اسمی گرد کرده اند. کیباد علاوه بر اینکه کشور ماد را از جنگ آباد اجابت خلق کرد، کشور پارس را هم از استقلال آشور تبن داد و هر دو کشور را در تحت سرپرستی و اعتماد خود در آورد و اب هر دو پادشاه - گمد یا ووات شالنده و سایر توابع کرد و پارس و ترک توابع را در، جزایر کرده منسوب کرد کیباد چون سواد است از تاجت سلاطین آشور و کجا همدان پارس جلگه کیباد (پارسی) گلدای والی شهر نایب که او به زادت تعلقات آشور پارس بوده آمده و در مقلند در سن ۶۶۱ پارس، در جوانی مد سدی گران از توفه بود پارس و غیره و شده است، که بعد از آن جوارس قدر و هر دره - هر خرابی (پارس) حرکت کرده (سواد سایل) پادشاه آشور بر کلسان از این غیر که میبندد تا استقامت کلسای در خروج شهر توشه سپه ماهمین و روبرو میشود سوخت چشم دیگر شده هر سه سوخت سلاطین ماهمین شده میشود پل زسی و اولی نایب که در مضموم و ساروشی معروف بود است میگویند که اوضاع کوا یک دلتا فغنی دارد بر اینکه اگر ساه کیباد تان روز دیگر

از ستهنخ

بک فزل از جوهری

سبلی اشکم واکه دی بینی دمادم چاره
لنت لئی جرگه به چارمادی که وا گلنار به
عاقده اما له بر عشق وطن مجنون مفت
روز دالم بیو شزارو کازو بدم زاریه
بوکی و از زور ترامت له جرگه کولام
ای مسلمانان مکن ستم که در دم زاریه
گاه به دستن باسیان سر له خوروی له یته
گاه دستنیم بدست اسیری زاندری به
من که ناموسم بر اوه کرده ناموسم برا

نایکانان! نایکان کار من بی کارسه
شون رفدله و فشار کج اسیاریان
ایسه و فشاره اسیری دستن به و فشاره
خبری دیوکه لای من له بدنی منته
دله ملاف له کار و کاری هر ی عاره
منی اثر د زبوس و الا بیوی مله من
چونده منورین به کردن صد بن خواره
سوانه بی سمانه هروک خالی من عالی ووش
زیره خالی من زبون و بنوی بیادیه
جوهری بشو مده بیکت توری گوری گیوه
گ زبوی به خازنه انه جواهره ناچریه

همدان

چا محمد علی دهت سائیده نامه کوهستان همه روزه ارسه
ساعت جدا، مظهر ن ساعت ۷ - روز قدر اداره خود شعاعی قبول
نماهای آینه و آگهی و ملاقات آتابان مراجعین حاضرند

خیلی ممکن است که نشود بلا عقب بودن سلسله ازاز. سومهم
مانند وهم ۱۶۰۰ سون سلسله ازاز بود. سلسله که بالاخره خلاف آن
کشف شود. اینکه شایه مارا در ابا بل. سلسله سلسله ازاز باشد
کسی دیگر بود. پادشاه آشور شده است. امانه شلف شدن دلازین
پادشاه مشهور دلق بر دم و فوج آن نشود بود سخن نین دازی
بود. نشه تاریخی هر سلسله قدم تشارا می خواهد بود
پدعمی موجود است که سارادان ابا بل. و سارا نوس، هروویک
و ضمیمه در گذشته سلسله چنانکه هیچ منبع سنت که در تور دچاریک
پرسا. با وضیعت بشود.

سایه نامعاری در این متن تعریف است از آثار تاریخی
چون عیفت امر کشف شود. سلسله نسب کیباد و اوستی از مورخین
باین ترتیب نوشته اند که عمیق تاریخ بقیه اورانام هست.
پیرامید سزاک، سپردوگان، پسر سوسان، پسر آرجان،
پسر آرش، پسر آردوین، پسر آرجان، پسر فرامینا، پسر نودگان،
پسر نودگان، پسر سوسان، پسر سارامق، پسر گوردو، پسر مادی، پسر
بایت، پسر ج.

بقیه از صفحه ۳

آوارات

را باسج داد و در جنوب غربی در پایه و ضلع کتیبه های از خود یادگار گذاشته است. این دولت را غریبه آوارات، آسوری ها آوارات و آوارتو و موخ معروف یونانی هرودت آلازود خوانده اند. هرودت میگوید در جوانی کوه آوارات توم (آلازود هالندی) را می رسیده می شناسد بین مناسبت این شاه را خانی باقی مانده اند. منیر وطن این قوم بود اراضی مرکزی داشتند مثل نایب رودستان. طایفه ای از مادها بنام (آوارات) بوده است. وجود محلی بنام خانیلیا. در نزدیکی طرابرین مرعیده امیر طوی و پومقری احتمال این را که حدود آوارات تا دریای سیاه و ده نایب میشد. تشکیل دولت بزرگ ماد در لوی شاهنشاه. هوخستره توجه هائی را در ادب باطاعت آن دولت نمود و بنیان حکومت ملی آوارات را منترل ساخت اگرچه این شاهنشاه حدود ماد را بازل ایروان (رود هالیس) رسانیده دول همچوار را منحوس ساخت ولی پیش از این تو و تانوس. کابوس خانیسگی پدر او داشته بودی این ناحیه را از دست داد. گاهی پادشاهان آراوا از اخلان هالندی که در جنوب غربی و ضلع کسمرانی داشته اند انتفاع در آن مرز نموده خود هم بزاد بون این قوم را همدالی میدرد. در سال ۶۰۰ پیش از میلاد آوارات چون دیگر دولت هائی لغت نمودند امرانه مراد گرفت. هرودت میگوید: برتری درجه زمین آواراتی ها. ارضی ها را و داشت که دین آنها را قبول و این منافع را که بنیاسبت هالندی در میان منگتنه بدعا نمود و دست داده خود را هالندی باقی نام برده همدین وادایا زیاد بودن این دولت موجب تسکین خاطر و تأمین اتحاد شدن شده از این پس نامی نبود که آن کوه مقدس تغییر گاه پادشاهان جولانگاه مردمان ارضی باشد. بقیه از در

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۹ - آقای حسن (کرملو) شناسنامه شماره ۸۶۵۲ باستاند یکبرگ کوه ایتمانه و رووش شناسنامه داد خواست بشماره ۲۸۳۱/۲۴ داده باینکه مرحوم نایب محمد علی (کرملو) دارنده شناسنامه شماره ۸۶۵۰ - در تاریخ ۱۳۱۹/۱۰/۱۰ در تهران هائیکه هینگی خود دفات یافته و مناشی بیرونی که وارث منقرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی علمای یکبار در روز نامرسی کشور شاهنشاهی و روز نامرسی کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراوین آگهی نبودن منقرش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وسیتنامه از متوفی - دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر دو صیغه میفرسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. رئیس کل دادگماهی بخش تهران - امامی اهری ۳-۱

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۲ آقای سید عباس روحانی ۶ وکالت اظرف آقای سید عبده (الحدین حیاط شاهی باستاند یکبرگ کوه ایتمانه، و. و. ه. هانسانا دادخواست بشماره ۱۰۴۱۰۲ داده باینکه مرحوم باورده چه در شناسنامه شماره ۳۷۴۲۲ در تاریخ ۱۳۱۶/۱۲/۲۸ در تهران جایگه. مشککی خود دفات یافته و آنگاه سید عبده (الحدین) حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۹ و عباس حیاطشاهی شناسنامه شماره ۲۰۲ و حسن حیاطشاهی شناسنامه شماره ۴۳۷۲۳ و پسران و بانوان فکوه السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۲۰۳ و انظار السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۳ و زعفر السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۲۳ و پدرالسادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۱ و عباس السادات حیاطشاهی شناسنامه شماره ۳۷۳۳۰ دختران متوفی و درووات. منقرش بر حسب پانزدهم از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی علمای یکبار در روز نامرسی کشور هاشماهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراوین آگهی نبودن منقرش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وسیتنامه از متوفی در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر دو صیغه میفر ازرسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. رئیس کل دادگماهی بخش تهران - امامی اهری ۳-۲

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴/۱/۲۸ آقای مرتضی (صاوردی) شناسنامه شماره ۱۲۸۹۰ طبق شناسنامه شماره ۱۸۰ مورخ ۱۳۰۳/۰۳/۱۳ باستاند یک برک کوه ایتمانه و رووش هانسانا تقاضای گواهی نامه حصر و روات نمود بنود توضیح که مرحوم حسن علی (صاوردی) در تاریخ هشتم آذرماه ۱۳۲۳ در تهران جایگه مشککی خود دفات و حسن الفو و روز. متوفی منقرش چهار پسر بنام مرتضی صاوردی متوفی و آلفدیان هادی صاوردی شناسنامه شماره ۳۶۶۸ و سرفه و صاوردی شناسنامه شماره ۲۵۷ و منقرش صاوردی شناسنامه شماره ۱۲۸۸ و در طرف دیگر بنام بانوان هوتک حسنی شناسنامه شماره ۱۶۱۴۸ و فرح الزمان صاوردی شناسنامه شماره ۳۸۵۰۸ و یک خیال دانی بنام بانو منقرش حسینی شناسنامه شماره ۱۶۱۶۰ غیر از هفت نفر نامبرودن و دیگری نه از وی شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی علمای یکبار در روز نامرسی کشور شاهنشاهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراوین آگهی نبودن منقرش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وسیت نامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر دو صیغه میفر ازرسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. رئیس کل دادگماهی بخش تهران - امامی اهری ۳-۳

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴/۳/۳۵ آقای سید اسدالله (تندر) وکالت از طرف بانو رفیه معلمان ارمزاده باستاند یکبرگ کوه ایتمانه و رووش شناسنامه دادخواست بشماره ۲۱۹۴/۲۳ داده باینکه مرحوم علی دینیزاده که صاحبکاه هینگی او در روز بوده در تاریخ ۱۷ سال قبل در کر بلا موفات یافته و بانوان رفیه سلطان ارده داده شناسنامه شماره ۱۶۶۲۶ و سکنه عزیزالهی شناسنامه شماره ۳۱۳۵۰ و عباس (کریزاده کاشانی) شناسنامه شماره ۲۲ نورمان و آقای هراس (بابائی) شناسنامه شماره ۴۲۰ برادرزوتوفی و وارث منقرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی علمای یکبار در روز نامرسی کشور شاهنشاهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراوین آگهی نبودن منقرش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وسیتنامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر دو صیغه میفر ازرسی و سری ابراز شود. از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. رئیس کل دادگماهی بخش تهران - امامی اهری ۳-۱

آگهی حصر و روات

تاریخ ۱۳۲۴/۲/۱۹ - آقای عبدالعزیز اردلان بوزکالت نوکینی اظرف با و کبری کبابور باستاند یکبرگ کوه ایتمانه و رووش هانسانا دادخواست بشماره ۱۳۳۱/۲۴ داده باینکه مرحوم (کبابور) در تاریخ ۲۳/۵/۲۸ در قفقز سناسا و جلاخ جایگه. هینگی خود دفات یافته و بانوان کبری و ربابا و پرتول (کبابور) دختران و آلبان - موهه رضا و پداف و جعفر (کبابور) پسران باو لیره کبابور (موهه دانی) متوفی و وارث منقرش میباشد پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب سه نوبت متوالی علمای یکبار در روز نامرسی کشور شاهنشاهی و روز نامه کوهستان آگهی میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ شراوین آگهی نبودن منقرش بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وسیت نامه از متوفی دارد در طرف مدت مزبور ابراز و الا هر دو صیغه میفر ازرسی و سری ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود. رئیس کل دادگماهی بخش تهران - امامی اهری ۳-۲

نامه‌ها و تلگرافات وارده

از مه‌پاد

آقای مصطفی ترازوی منبوسه طلوع این آفتاب روزگار که از ماواری کردستان قایمه و جلومای تازه درخشند را که در آسمان کردستان آسروند و سندهند و جولان آمده به بدر محترم و ارجند آن تیریک عرض کرده و از ذات ذوالجلال الهی توفیق حضرت را در مسلت منبایم امیدواریم در قش و روب خاتین و نایاکن از صحنه کردستان بیادری برادران عزیز کرد موفق آید و کردستانی که اکنون از منقن جولان در دور است برای آینده ایران همین عزیز خدمتگداری و همین برست بار آید

از یوگان

شما خلیفه ملاحده خوبی منبوسه اشتوارمه گرامی کوهستان له بنزله زبان کردستان و مهترین معرف خلافتی این ملت انسانی به آثار حسنه تاریخی و ملامت‌های جامعه است از صمیم قلب تیریک میگویم

از منتدج

آقای مظهر اقبال پر از اشتار نامه کوهستان تلگرافات عطار مرتب نموده

از دیواندره

تلگرافی باصافی آقایان: سید صبحه صادق نامی، شادروسی، مظفایور، احمد - عبدالکریم کافی - اجلا بیبی اینی رسیده از آقای ستور اوسولی منصف گسروهان از اخبار مسری اظهار رضایت نموده.

از گرمشاه

آقای محمد علی شایان از اشتار نامه کوهستان اظهار مرتب نموده اند.

از سقر

آقای جلال الدین نشیندی تلگرافاً میفرستد. شادنامه شریفه که ماهه نشاط و خوشحالی اهالی این نواحی است با قلبی پاک و بی لایب منبایه تیریک عرض امیدوار در نبرد مندی که برای حفظ خون هم برادر خود رونق سوه تانهم پیش گرفته‌اید متوق کایات گردید

از مه‌پاد

آقای ح. م. فولاد شرح مفصلی در برادران منله روزنامه کیوان نوشته و برادران هم ارسال داشته‌اند چون نسبتی از مفاد ایشان را روز نامه پرورش هفت گشته چاپ کرده و دیگر دوچ آنرا در نامه کوهستان ضروری ندیدیم برای احسانات پاک برادران خود هزاران تحسین میفرستیم بقیده می‌آید مقاله روز نامه کیوان که مضمون و نگارش آنهم از نوشته خود پیشین شده بیش از این ارزش پاسخ ندارد مهذا این احسانات پاک برادران لرزدا باید مجدداً تمسین شود.

از زانه

تلگرافی باصافی آقایان شیخ الاسلام - باغ سلانی امام جمعه خطیبی - حاجی اسلامی خاند سلانی - حاج عزیزدانی حاج عزیز خطیبی - حاج نصرالله نوید - محمد امین اوسلی - عیاده قاضی - حاج محمد امین ختاری - سلیم احمد زاده - عبدالعزیز خالدی - کوربیل آژوشی - محمد احمد زاده - یادآور روزنامه رسیده از اعزام آقای مدلی به ساز رس و وزارت فرهنگ و از نشراتی‌های جالب توجه ایشان اظهار امتنان نموده‌اند.

تکرار خبری پامیابی هین آقایان

رسیده از علیجات فرمانده تپ سوزاظهار رضایت نموده و از احترام ایشان به شمار اسلامی اظهار خرسندی نموده‌اند.

از همدان

آقای مدنی حسین از اشتار نامه کوهستان اظهار مرتب نموده‌اند.

از سنندج

آقای علی گل افغان شایسته منبایند که از طرف فریاد یکم نایب بیو اثری است شده و بامست و لگم دورا نموده شده است. لازم است این نکته را تذکره کنیم که اسر شرافتمند کسی است که شرافت و حیثیت دیگران را حفظ کند و اسر بی‌حفظ حیثیت ملی است که برای کوفتن منت برادران برادران خود

آقایان عداقه اوشیرونی و حسن فیضی آقا بیکی از وضع فرهنگ سرفزانات مصلی نموده‌اند.

وضع فرهنگ بطور کلی در مناطق کرد و قشین رضایت بخش نیست یا بوجه و اشتراک هائی ندارد با آن معتدلی هم له هست درست رسیدگی بشود معلمین خوب کثیر در این نواحی دیده می‌شوند اگر هم باشند بقدری لاسرد و اسفرداده که کلامی انجام نیدهند بر ساین خبر و فرهنگ استمال که بنوع خود در توشین کار کتان فصل و خلاصه فرهنگ کوشیده و آهائی رواهت غلطه و ضایع است بدون نظر بر این معالالت های شخصی لقب با در نظر گرفتن اوضاع عمومی سنام فری نایدند تا به موفق شویب آتان بشوم.

از سنندج

آقای بهال الدین از من از اشتار نامه کوهستان اظهار مرتب نموده‌اند.

تصحیح

دوسر مقاله هفته قبل در صحنه ۸ اشتباهی روی داده بود از خواننده گان محترم تانما بشود بشرح ذیل تصحیح فرمائید:

- ۱- سفر هشتم: در صحنه ۱ ای که در تپه واقع است الیاب با یادداشت شده بود که ۲ سفر هشتم: متفقین شهرهای گردنشین را ۴۰۰ ۳- کنگر بزرگ کرد

اطلاع

استیال شایان خوانندگان گرامی از نامه کوهستان و معساب وارده فراوان اجاب میکنند که در اجاب زدگی بر صفعات روزنامه افزوده و با آنرا در قطع بزرگتری منتشر می‌نمایم. از خواننده گان محترم تانما بشود نظرات خود را در ایاب با بوسنه تا در این تپیرخی التودر نظرات عموم اعانت گردد

از مشترکین که تا حال ورسوه آویسنان و برزادته تانما شایب و هر چه زود تر آنرا ارسال دارند مشترکین شهرستان می‌توانند وجوه اشتراک را توسط سنانگه ما ارسال داشته و یا مستیاب فرستند

حیث میخواست یکی از آقایان را که در آن مکان باصافی داشت بیاید پس از آن دوباره شروع بحرکت نمود

لحظه ای بعد از تریکو سکوت را در هم شکست و با لحنی تکیه آمیز گفت:

«شما هیچگونه ترسی از من نداشته باشید، من از یکی از اغانواده های بسیار نجیب هستم پدر من اسر مخصوص پادشاه بود و در میدان جنگ شته شد.

هراس با تپنج از او پرسید: «اگر چنین است چگونه میشود شما در این مکان زندگی کنید و رفیق ماتشو و سایر همدستان او باشید؟»

«وفات ماتشو چه منقانی با این موضوع داد؟»

هراس میخواست فدوری با تریکو صحبت کرده در برابر او انالیلم که مصلحت بر او است اطلاع بدهد یابود اما از ترس اینکه مبادا اظهار اینکه او در میانه افغان و اردیه است موجب زحمت او و رانگیل بشود چیزی نگفت زیرا او از همان لحظه که ماتشو است بیبرادر تریکو مقنون دید دریافت که افغانی چندان با اهرار ان موافق بوده و تومیه ای هم که در مان در میانه افغانه پلو کرده بود از روی سوء قصد بوده است.

اما پای دیگر شروع بصیحت کرد گفت: «برای پی بردار شارا مانند یک دیواه نابردد»

«اگر شما کسی را ببینید که غور در دره‌ها یک کرگ یا جادازد آبا نسکوید که او اسلق منبایه»

هراس که اورا تمدن کرد اما از این حرفهای اسرار آمیز چیزی درک نیکرد سپس از تریکو پرسید:

ایا برادر شما جزه دست ماتشو است؟

«بله اما شما از دانستن آن چه می‌خواهید؟»

حرف زدن با تریکو چندان آسان بود و هر اس تصمیم گرفت که ساکت شمه اطلاعات درباره افغانی را بوقت دیگر موکول کند

حالا دیگر از بیان درختان بیرون آمده بودند. چند ستاره کوچک بانور ضعیف خود میدرخشید. تریکو دو کتار تپه سنگی توقف کرد و در براس نموده و او امر کرد تا او را تپه ناید آنگاه شروع بالرفتن از تپه نمود اما هر اس پس از آنکه چند قدمها رفت نفس زان استناد گفت دیگر تپه‌نارم راه بروم تغییر هائی که پای من بنه ناید باهامی را زخم میکند. تریکو از پیشین این حرف بر گشته با لحنی تسحر آمیز گفت: «تپه‌نارم راه بروم ۱۱ من بشما نصیحت میکنم که این حرف را دیگر بزدگر ماتشو نگفتن شارا منبایه با دهنه خود شارا راه میرد.

وانگهی مایانک پایالی تپه رسیده‌اند. دین در وقت تریکو بطرف میرد برگشته دست او گرفت و سپس از آن طرف رفت پس از آن آممن دو بهراس با لحنی جدی گفت: «آیا منبایه یهمان قطعه‌ای که آتما یاده شدید بر کردید؟»

«سافاسه خیر بیرون راه وایند لیتم»

«اما شما در جهان راه می‌خواستید از دست من فرار کنید بیاندید اگر اقدام با یتکار میگردید با شما چه میکردم؟ آتوت با بگوله منقران را متلاشی میکردم.

هرای آه ای زبانه بیرون کشیده زیر لب گفت معلوم میشود که این آقای نجیب زاده هم دست کی از سایر دزدان ندارد و سبب بد تبال تریکو که در مصلح لغاری وارد شده بود بر اه افتاد.

دو نامه از خوانندگان ما

اگرچه ما میل داریم با بنیاداتی که برسد در بابت اشتراکات و بهمی‌بینی آن انتقادی که جاست با کمال اطمینان مورد توجه قرار داده و آنچه را که سوء تعلیمی ایجاد نمود نماند که کویح و خلاصه‌ای جویب به‌بهر ولی در مورد ایراد از آقای شیخ الاسلامی سده ماهی چندی از خوانندگان محترم رسیده که ناچاریم به پاس احترام و رعایت انکار عدمی می‌نویسم که از ابراجای کتبم تا اگر دیدم خوانندگان هم ملاحظه آقای شیخ الاسلامی موافق باشند با حق باشند که باید بنیادها و انتقادات خوانندگان را که در بنام دیگری غیر از کردستان سکنی دارند ترتیب اثر بدهیم.

از علیایگان

آقای مدیر محترم روزنامه هفتگی کوهِسنان در شماره اخیر آن نامه گرامی خرمی با معضله آقای شیخ الاسلامی اوستند درج شده بود. اینک طرز نگارش روزنامه کوهِسنان شیخ الاسلامی را به نظر طلب غیر ضروری و در عوض انتقادات ایشان درباره علیایگان ما مورین ادب و ادراکی بنده به درج است که دوستانه کرده بودم تا که چه خود آقای اردلان مدیر روزنامه با زبان ملایم و آردم درودتیه ایشان خرمی مرفوع فرموده بود که برای بنده به‌جواب ایشان قانع شده و با اینکه از کردستان و اوضاع آسمان و منظوره و مقصود آقای منتد خرمی اطلاع مردمی اراادت و سامنه طواری باغاواوده. آقای شیخ الاسلامی این نکته را بایشان تذکر می‌دهم که اولاً نامه منقل ایشان کسب زیادی از روزنامه و انتشار و به‌سخی که دیگران هم برای درج مقالات با شکایات با معضال خود دارند ننسید کرده بودند. با اینکه ازینکه در طول یک هفته منتشر کن روزنامه کوهِسنان تصادمی برین نامه مبرور می‌نویسند استفاده نکنند و قش ملاحظه کنند یک منصف روزنامه و انتقادات آقای شیخ الاسلامی است نوع العاده کسل و تشایان بایشان را اراادت می‌نویسد تا با هماهنگی آقای مدیر روزنامه تذکر داده بودند منتشر کن و خوانندگان نامه کوهِسنان منتشر به آقای شیخ الاسلامی نیست که از شرح تنبذات ما مورین (خواصم) مع و خواه منیم) خوشحال و راضی شود — کسی هم مطلق مقاله ایشان را و مطلق تاریخ و نظیر منقلب خوانندگی در این ملاحظه و استفاده کنند تا اگر بیده معاف بکیریم روزنامه کوهِسنان از بدو اشتراک مرتبا شکایات اشخاص را از ما مورین درج

نموده اند حال اگر علیایگان و نویسندگی را که بجهت اشتراکات و بهمی‌بینی خوش آینه آقای شیخ الاسلامی نبوده تا حاد و درج نگردد نامه گنهی نداشته و را با رادیندن آسانی شیخ الاسلامی و خانواده ایشان از ایشان زانامه درودست انتقاد دارند حریفی برای تنبذ قائل شوند نیست ما و دعاست کردو اهالی این شهرستان با سایر چندین هزار ساله تاریخی در انتظار انتشار نامه بنام این شهرستان بودند که این سرزمین و اوضاع و احوال آنجا را به مردم شناساند و اینکه اعتقادات بیورد فورا ایجاد کند برای مدیر روزنامه کردو انتزات آن لیه برای خود آقای شیخ الاسلامی و امثال ایشان و بیگان بکمال اهالی کردستان خوش آینه نخواهد بود.

ع. کردیور

از تهران
نامه گرامی کوهِسنان
امروز عصر که نامه کوهِسنان بدستم رسیده دیدم چندین ستون را که آقای‌های شیخ الاسلامی گرفته است این کلمه که تا اندازه ای بی‌نظر میرسد توجه مراجع کرد خواستم ببینم از طرف مدیر محترم آن نامه چه حالی سرزده است که خود و یوسفی در سر آقای شیخ الاسلامی بریاسته و مطلق تا آورده بروی کافه آورده و آن نامه فرستاده خلاصه مطلب در آخر مقاله که با یسعی که بایشان داده شده است و حقیقت راه ادیب‌بوده اند آشکار میگردد که منظور حضرت ایشان اینست که نامه کوهِسنان را از شکل روزنامه بدو آورده و نظرم نامه‌های باشد که فقط و فقط شکایات

ستاد ارتش بیشتر توجه کند

تنگنای مصلی باغی عده‌ای از اهالی میباد رسیده‌ است و ارتش خواسته‌اند که راجع به دستگیر نمودن روحان عتی‌بور از طرف فرمانده لشکر کردستان و شوارات وارده به مصلی سناطیان توجه مخصوص بنمایند. ادامه این رویه بیش از پیش مردم را ناامید می‌سازد.

اگر شخص دستگیر شده معصوم است تفریقش باید معذرتیه گردد و اگر برای تفریح و باشان دادن قلدری چنین عملی شدم چرا ستاد ارتش ساکت است و از این محافطات جلوگیری نیکند ؟

جواب اداره کل ژاندارمری

آقای مدیر محترم روزنامه کوهِسنان
مطلع به مندرجات شماره ۱۵ و ۱۶ از نامه‌های زنجیر به‌علت شماره ۲۴ خبر رعابای بیان قیوم‌خواه مروج و نقل معاد امین نام و غارت قیوم‌خواه در چهار کیلو متری سنجند و سوله سارین منقل برای دستگیر بود کوف نمودن سابقین دستورالاحاطه به‌علت منقل ژاندارمری سنجند صادر گردید.

فرمانده ژاندارمری کل کشور - سر تپ خسرو پناه

الفبای نو

بیه‌اصحه
بزرگ هم که در مطولیت وسیله تحصیل نداشته بعداً نخواهد بساود شود. با مشکلات روزمره زندگی، با هزاران نگرانش روزانه - برای تأمین نان شب، با درگرفتن و خواندن و نوشتن و دیربستر اوقات غیر مفهومی است.

چه باید کرد؟
باید وسیله‌ای فراهم نمود که طفل خردسال بسوخت و صرفت فادیه و ذخواین و نوشتن شود. اسان بزرگ هم بدون مواجه شدن با مشکلات در قیال ممتی و نوشتن و خواندن روا نگردد. این منظور با الفبای کنونی ما غیر ممکن است احتیاجی شرح و بسط نیست. جزئی توجیهی ملامت این موضوع در روشن خواهد ساخت عده‌ای از روشنگران، بی‌ان معاملات دقیق، الفبای انتخاب نموده اند که با استعمال آن در عرض چند ساعت شخص بسوخت خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد و ما امیدواریم در آینه تردیسی مثنویین پس از آنکه آخرین مطالعه در این باب پایان یافت خوانندگان محترم را از یکنوگی « الفبای نو » متعصم گردانیم.

روزنامه‌های ما در شهر خود و نام او را کوهِسنان بگذارند بقیه اینجاب نامه کوهِسنان باید منظور که برادران کرد را بسایر ایرانیان بشناسند سایر برادران ایرانی را هم باید به‌یادمانه از مهم‌می‌مان که کرد نام دارند معرفی کنند و رویه هر دو ستم‌آمری نباید تا باعث وحشت عوام هم نبی‌ان کردوین با مشارت اعلی‌ را از بیخ و بن براندازد و روشی بسازد که کرد در ترک‌گر و تشغالی هم ایرانی برادران و برادرین سایر این نامه کوهِسنان از آن کردان فقط و فقط نیست بلکه نامه کوهِسنان مشاق چشمه ایران و مدعای خورن ایرانی و باطلیله ایجاد می‌باشد منظور که آقایان اگر ادا مایل هستند در دلد آنها در این نامه درج شود سایرین هم انتظار دارند مطالعه را که می‌نمایند در آن نامه ببینند.

انوس ما از این است که آقای شیخ الاسلامی با آن فلسی که دارند اینگونه سخن‌گفتی کنند و این همه ناروا دارند از خود بی‌نی با فراتر ننگارند.
ما هم مایل هستیم کردستان را بشناسیم ولی آقایان اگر ادب و با یسعی و کوشش ضایع فکر و طریقه و سلیقه سایر سرداران ایرانی خود را بداند ۲۴/۲۳۱ اسفند طباطبائی می‌داند

دوین بست نامه‌ای از آقای مهبا رئیس دارایی کردستان رسیده که عبارت از و نوشته نامه ایست که بجزر مدالت‌شبه کردستان نوشته اند و در آخر اینطور می‌نویسند:

و نوشتن برای استعمار آقای دو کتر اسمیل اردلان مدیر محترم روزنامه — هفتگی کوهِسنان براتر شماره ۱۳ نامه مزبور منصفه در ۳۰ ایلان و زست می‌دهد اگر مرا موئی و مسلمان می‌داند به‌شیخ و اسلام قسم است که همین آقای هاشم شیخ الاسلامی که نگه من از کوهِسنان و نوشته بدهد بیدانه بوساطتی نشان کرد و با بعدت دارائی راه دهم چون احتیاج و اعتبار اداری نداننم تقاضای او را و توانستم انجام دهم بیهی مناسبت رئیس دارائی در نظرها او ظالم و خونخوار جاوید گردد است